نسبت دوستی و سیاست در فلسفه سیاسی یونان و دوره اسلامی

(نمونه پژوهی ارسطو و فارابی)

سیمه حمیدی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

somayehamidi@birjand.ac.ir

پیمان زنگنه

مربی گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

P\_zanganeh@birjand.ac.ir

چکیده

از جمله نگرش­های مطرح در فلسفه سیاسی، مساله نگاه خوش­بینانه به عرصه سیاست در جهت گسترش دوستی و رفع تخاصم میان­ انسان­هاست. تاکید فلسفه سیاسی یونان نیز به عنوان یکی از مهم­ترین سرآغازهای اندیشه­ورزی در خصوص سیاست بر مبنای تلاش برای پیوند میان دوستی و سیاست در جهت دست یابی به صلح در دولت شهر است؛ از همین رو، سیاست بر مدار فضیلت قرار گرفته است. کتاب *اخلاق نیکوماخوسی* ارسطو با تاکید بر مفاهیم خیر، فضیلت و سعادت در راستای ارائه تفسیری دوستانه از سیاست بود. از یک سو ورود این اندیشه به ایران دوره میانه و از سوی دیگر تاثیر مبانی معرفت اسلامی هم­چون تساهل ومدارا سبب شد تا فارابی نیز به عنوان بنیانگذار فلسفه اسلامی نیز درصدد پیوند میان دوستی و سیاست و تاکید بر صلح در مدینه فاضله باشد. فارابی مدینه فاضله خود را مبتنی بر خیر و فضیلت و در جهت غایت سعادت ترسیم می­کند. مساله نوشتار حاضر آن است که دوستی و سیاست در اندیشه ارسطو و فارابی چه نسبتی با یکدیگر دارد. فرضیه این نوشته پژوهشی آن است که تاکید بر مفاهیم خیر، فضیلت و سعادت وجه مشترک دولت شهر ارسطویی و مدینه فاضله فارابی است که بیانگر ابتنای سیاست بر مدار دوستی و صلح می­باشد. روش پژوهش نیز توصیفی تحلیلی­می باشد.

واژگان کلیدی: دوستی، فلسفه سیاسی، دولت شهر، مدینه فاضله، ارسطو، فارابی